اعتمادسازی، انحراف حقوقی، بازگشت به اعتماد

جلالی، کاظم

سه فراز تحولات هسته‏ای از دیدگاه دکتر کاظم جلالی‏ اعتمادسازی،انحراف حقوقی، بازگشت به اعتماد

 دکتر کاظم جلالی،نماینده مجلس شورای اسلامی و سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی از شرکت‏کنندگان در اولین نشست این همایش با عنوان‏ "ایران و جامعه بین الملل‏"بود.وی با مرور روند روابط میان ایران با اروپا در موضوع فعالیت‏های هسته‏ای ایران‏ به تشریح سه مرحله آن پرداخت:

مرحله نخست،دوره اعتمادسازی،به اعتقاد جلالی‏ ایران در این مرحله کوشید به اعتمادسازی دست یازد و از همین‏رو پس از مذاکرات سعدآباد داوطلبانه به تعلیق‏ بخشی از فعالیت‏های هسته‏ای اقدام کرد.همچنین با ارائه گزارشی 1300 صفحه‏ای اطلاعات مربوط به‏ سایت‏ها را در اختیار آژانس بین المللی انرژی اتمی‏ قرار داد.هدف اثبات حسن نیت و اطمینان دادن به غرب‏ درباره سرشت صلح‏آمیز فعالیت‏های هسته‏ای‏ کشورمان بود.امضای پروتکل منع گسترش سلاح‏های‏ هسته‏ای (NPT) و دادن اجازه بازرسی از فعالیت‏های‏ هسته‏ای ایران به بازرسان سازمان بین المللی انرژی‏ اتمی گام‏های دیگر در جهت اعتمادسازی بود.

ایران با این اقدام خود تجربه جدیدی در ارتباط با اروپا در پیش گرفت،گرچه این عمل با اختلاف‏نظرهایی‏ در داخل رو به رو شد.برخی بر این باور بودند که به اروپا نمی‏توان اعتماد کرد و گروهی نیز معتقد بودند مرحله‏ تازه‏ای را باید تجربه کرد.به اعتقاد اینان با برون رفت از پرونده هسته‏ای امکان معماری جدیدی در روابط ایران‏ با اروپا فراهم می‏شد.

متاسفانه نوع حرکت و برخورد اتحادیه اروپایی مسیر پرونده ایران را به انحراف کشاند.اروپا در تفسیر تعلیق‏ بحث تعطیل چرخه تولید سوخت را مطرح کرد،در حالیکه این امر مغایر با مفاد NPT است.

مرحله دوم،انحراف حقوقی،این مرحله با تبدیل کیک‏ زرد به هگزار فلوراید اورانیوم در مرکز تحقیقات و تولید سوخت هسته‏ای اصفهان یا همان‏"یو.سی اف‏"شروع‏ شد و با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان‏ ملل متحد،که خود یک انحراف حقوقی بود،پایان یافت. مرحله سوم،بازگشت به اعتمادسازی.هم‏اکنون در این مرحله قرار داریم؛مرحله بازگشت به دوران اعتماد سازی و البته با طراحی جدید.

درباره از سرگیری مذاکرات نیز سه سنایور وجود دارد: 1-ایران فعالیت غنی‏سازی را به تعلیق در آورد و طرح‏ کشورهای 5+1 را بپذیرد.این سناریو در میان مقامات و مسئولان ایرانی جایگاهی ندارد و منتفی است.

2-اروپا و آمریکا نظرات ایران را بر اساس معاهده NPT بپذیرند.این سناریو نیز از سوی کشورهای اروپایی و ایالات متحده با چالش جدی رو به روست.

3-انعطاف متقابل از هر دو سو،این سناریویی است که‏ می‏توان به تحقق آن امیدوار بود.بر اساس این سناریو ایران به تعلیق غنی‏سازی اورانیوم در مقیاس صنعتی‏ خواهد پرداخت و درمقابل پایلوت صنعتی با چند هزار

متاسفانه نوع حرکت و برخورد اتحادیه‏ اروپایی مسیر پرونده‏ ایران را به انحراف‏ کشاند

سانتریفیوژ را حفظ خواهد کرد.همچنین با در مدار قرار گرفتن نخستین نیروگاه کشورمان می‏تواند تولید صنعتی‏ را آغاز کند.غرب نیز پیگیری قطعنامه علیه ایران را در شورای امنیت به حال تعلیق در خواهد آورد.

به اعتقاد دکتر جلالی تلاش برای حل مسأله هسته‏ای‏ ایران نیازمند سه رویکرد است:

اروپا به طور جدی حقوق ایران در بخش هسته‏ای را به رسمیت بشناسد.

ایران نیز تعلیق در بخش صنعتی را تا به نتیجه رسیدن‏ مذاکرات بپذیرد و عملی سازد.با این گام مذاکرات‏ بی‏درنگ آغاز می‏شوند و تمامی اقدام‏ها در شورای‏ امنیت به حالت تعلیق درمی‏آید.

در این مرحله امکان همکاری بیشتر و برقراری‏ روابط نزدیک‏تر با غرب نیز میسر است.ناگفته پیداست‏ که تحقق این شرایط مستلزم خروج پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت و سازمان بین المللی انرژی اتمی‏ است.

قراردادهای مهم اقتصادی و تکنولوژیک و غنی‏سازی‏ در حد صنعتی مورد موافقت قرار گیرد.

دکتر جلالی در پاسخ به این شبهه که ایران تا به حال به‏ اروپا صرفا به عنوان پیام‏آور آمریکا نگریسته است گفت: ایران همواره از چند جانبه‏گرایی حمایت کرده است.این‏ رویکرد به وجود یک اروپای قوی متکی است،حال آنکه‏ اروپا در موضوع عراق مرعوب آمریکا و دنباله‏رو این کشور شد.باید توجه داشت که بازیگران اصلی در عراق،افغانستان‏ و لبنان چه کسانی هستند.پاسخ این پرسش بدون تردید دو کشور ایران و آمریکا هستند.جایگاه اروپا در این میان‏ چیست؟اگر اروپا به دنباله‏روی از آمریکا ادامه دهد طبعا نمی‏تواند در مقام مذاکره‏کننده اصلی قرار گیرد.